

# بیانیه‌ی دو ائتلاف سیاسی : سالگرد ژینا دختر انقلاب زنانه ایران



بحران اقتصادی و گرانی سرسام آور، هر روز بیش از پیش از توان خرید مردم می‌کاهد و بار زندگی را بر دوش کارگران، زحمتکشان و عامه مردم سنگین و سنگین‌تر میکند. وعده های توخالی حکومت هم امروز هیچکس را فریب نمیدهد، چرا که با گوشت و پوست خود بحران معیشت و سختی طاقت فرسای زندگی در حکومت اسلامی را تجربه میکنند. وضعیت بدین گونه ادامه پیدا نخواهد کرد و دیر یا زود انفجار اجتماعی از جایی آغاز خواهد شد و جنبش «ژینا» از زیر پوست شهر مجدداً به خیابان‌ها خواهد آمد.

## سالگرد ژینا دختر انقلاب زنانه ایران

ژن، ژیان، نازادی، برای دختری از کردستان که پرچم انقلاب مردم ایران را بر دوش می‌کشد و آغازگر تحولی عظیم در سرنوشت ایرانیان شده است، ژینا امینی متولد ۱۳۷۹ در شهر سقز بود. او برای سفری تفریحی به تهران رفته بود.

او در ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ توسط پلیس گشت ارشاد در مترو میرداماد دستگیر شد. ژینا آن روز به همراه برادرش بود ولی او هم نتوانست مانع از بازداشت خواهرش شود.

او با ضربه‌ای که توسط مامورین حکومتی به سرش زده میشود به کما میرود و بعد از چهار روز در بیمارستان جان می‌بازد. پیکر ژینا تحت فضایی بشدت امنیتی از تهران به سقز منتقل می‌شود و با فشار سازمانهای سرکوبگر در بامداد ۲۶ شهریور در آرامستان آیچی این شهر دفن میشود.

شماری از مردم در گورستان حضور یافتند، در مراسم او زنان حجاب از سر خود برداشتند. شعار زن زندگی آزادی یا ژن، ژیان، نازادی را سر می‌دهند، پس از دفن ژینا مردم به خیابان‌های سقز و همان روز جمعی از فعالین به خیابان‌های سنندج می‌آیند و شعار فوق را تکرار می‌کنند.

با بیانیه احزاب کردستان ایران مردم کردستان ایران روز ۲۸ مرداد ۱۴۰۱ را به نشانه اعتراض به قتل حکومتی ژینا امینی اعتصاب می‌کنند و عصر همان روز اعتراضات در کردستان شروع می‌شود و به دیگر شهرهای ایران کشیده می‌شود و همان روز در تهران، مشهد، شیراز و چند شهر دیگر دانشجویان تجمعات اعتراضی برپا کرده و علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران شعار داده بودند.

در پی گسترش اعتراضات، اینترنت و شبکه‌های مجازی به‌طور فزاینده‌ای از دسترس عمومی خارج شدند. بسیاری از کنشگران سیاسی، فعالین در عرصه روزنامه نگاری و بخصوص دانشجویان بازداشت شدند، با شلیک مستقیم به تظاهرکنندگان بیش از هفتاد نفر کشته شدند.

شعارها در اعتراضات خیابانی تنها مربوط به حجاب نبود و مستقیم رهبریت رژیم علی خامنه‌ای و حکومتش را نشانه می‌گرفت.

ژینا عاملی شد برای مردمی که سالهاست اسیر ستم همه جانبه رژیم حاکم هستند. رژیم از آغاز هیچ گونه برنامه‌ای برای رفع مشکلات و کمبودهای زندگی مردم نداشت و ندارد، خیزش عمومی همه ناشی از نارضایتی است که در همه بخش‌های جامعه گسترش و همه اقشار جامعه را شامل می‌شود. قتل حکومتی ژینا بسرعت همه جامعه را در می‌نورد.

ابعاد اعتراضات در همه بخش‌های شهر تهران و دیگر شهرهای ایران گسترده بود، در بلوار کشاورز تهران زنان و مردان شعار «عدالت، آزادی، حجاب اختیاری» سر دادند.

در این تظاهرات با اشکال مختلف به معترضان حمله شد. بسیاری از زنان بدون حجاب اجباری حضور یافتند و زنان به نشانه اعتراض به سیاست‌های ضد زن جمهوری اسلامی روسری‌هایشان را آتش زدند.

در ادامه اعتراضات، در اشکالی متفاوت و گسترده اعتراضات مردم در سطح ایران با همدیگر پیوند خورد و به اقصی نقاط کشور گسترش یافت.

مردم معترض شعار «نگ ما ننگ ما رهبر الدنگ ما» سر دادند. در راستای پشتیبانی ملیتها علیه رژیم اسلامی ایران، مردم تبریز از مبارزات مردم کردستان حمایت کردند و شعار می‌دادند «از کردستان تا تبریز، صبر ما شده لبریز». هر روز آمار کشته‌شدگان در سراسر کشور افزایش می‌یافت و در شهرهای بسیاری نیروهای امنیتی به‌طور مستقیم به معترضان شلیک می‌کردند.

نیروهای امنیتی در مقابل مبارزات مسالمت جویانه مردم راهی جز اعمال خشونت در پیش نگرفتند، چون راه حلی در رفع مشکلات مردم ندارند و سرکوب مخالفین به هر روشی تنها تلاشی است برای حفظ رژیم .

در پی گسترش مبارزات در داخل کشور، پشتیبانی گسترده ایرانیان خارج از کشور در ابعادی جهانی فضای رسانه‌ای را در بر گرفت و در اقدامی بی نظیر جمع زیادی از هنرمندان، روشنفکران، کنشگران سیاسی و اجتماعی، ایرانی و غیرایرانی از اعتراضات مردم ایران پشتیبانی کردند.

هر روز بر ابعاد جنایات رژیم افزون تر می‌شد و چهره منفور رژیم ایران در جهان افشا می‌شد. ابعاد جنایات رژیم در اقلیم سیستان و بلوچستان بسیار گسترده تر بود.

روز جمعه هشتم مهرماه از نماز جمعه زاهدان، شماری از مردم این شهر در اعتراض به «قتل حکومتی» ژینا امینی و همچنین تجاوز فرمانده انتظامی چابهار به یک دختر ۱۵ ساله، تظاهرات اعتراضی برگزار کردند اما نیروهای رژیم به سوی معترضان تیراندازی کردند، که به «جمعه سیاه زاهدان» شهرت یافت. گزارشات میدانی از کشته شدن ۹۱ نفر خبر دادند که در میان آنها تعداد زیادی کودک بودند.

اعتراضات دانشجویان و دانش آموزان در سراسر کشور فضای اعتراضی دیگری آفرید، و دانشگاه‌ها و مدارس سنگر دفاع از انقلاب ژینا و خواسته‌های بر حق آن شدند.

وحشت جمهوری اسلامی ایران از گسترش مبارزات مردم و سرنگونی نظام ابعاد خشونت را هر روز عریانتر می‌کرد، در پی سرکوب این اعتراضات صدها تن دستگیر و دهها نفر کشته شدند که بیشتر آن‌ها نوجوان بودند، از کشته‌شدگان این دور از اعتراضات می‌توان به نوجوانانی مانند حدیث نجفی، نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل زاده اشاره کرد. اما جنبش ادامه دارد.

علی خامنه‌ای منفور به سپاه پاسدارانش دستور رسمی سرکوب اعتراضات را صادر کرد و به فرماندهان سپاه گفت که «به این معترضان رحم نباید کرد» او همچنین حکم اقدام زنان به آتش زدن روسری‌های خود را «محرابه» اعلام کرد و گفت: «معنی ندارد زنان حجاب خود را در خیابان آتش بزنند. این یعنی محاربه با اسلام.» وحالا در یک سالگی انقلاب ژینا هستیم.

چقدر سریع به یکسالگی ژینا رسیدیم، عزیز بیگناهی که تصورش را نمی‌کرد، در آنروز زیبا سبک بال و خندان با دژخیم مرگ روبرو شود و زندگیش را از دست بدهد، گلی که فرصت شکفتن نیافت، ستاره ای که در عنفوان جوانی خاموش شد. واو پرچمی شد، برای دخترانی چون خودش، نیکا و سارینا و ...

چقدر مرگ در جامعه ما سهل و آسان شده، چقدر راحت جوانهای بیگناهی را در این سالیان دراز حکومت مذهبی کشته اند، اینها همان دژخیمان انسان نمای هستند که وعده بهشت می‌دهند، وضویشان را در خون می‌گیرند تا با خدایشان پیوند مودت ببندند و به ملکوت آسمانی بروند! ریا کارانی که نان در خون می‌زنند و آسایششان در بی‌آسایشی دیگران است؛ در مرگ و سیاهی است!

خشونت علیه مخالفین سیاسی در حکومت ضد بشری ایران از ابتدای شکل‌گیری این نظام آغاز شد. ترور خاموش مخالفین و شکنجه و اعدام در زندانهای جمهوری اسلامی ایران در طول عمر این نظام سیاست رایج آن بوده است.

از شروع فعالیتهای اصلاح طلبان حکومتی تا اعتراضات به نتایج انتخابات سال ۸۸ چارچوبه اعتراضات در حول و حوش اصلاح نظام سیاسی می‌چرخید.

اما از آن دوره به بعد شرایط سیاسی در جامعه تغییر کرد و هدف تغییرات سیاسی از چارچوبه نظام خارج شد و کل نظام را نشانه گرفت و مردم از اصلاحات در چارچوبه نظام خارج شدند. مردم به وضوح دیدند که منشأ تغییرات مردم نیستند بلکه باند رهبری که در رأسش ولی فقیه است، قرار دارد.

در واقع در جمهوری اسلامی ایران مردم باید در خدمت نظام باشند و تابع ولی فقیه! جمهور معنی ندارد!

اعتراضات مردمی در دی ماه ۱۳۹۶ که از مشهد آغاز شد، که قرار نبود کل نظام را نشانه بگیرد به سرعت به دست جوانان سراسری و رادیکال شد و شعار سرنگونی در خیابانها طنین افکند.

در همین تظاهرات است که شعار «اصلاح طلب، اصول‌گرا! دیگه تمومه ماجرا» در تظاهرات داده شد که در واقع نشان از توهم بخشی از مردم به جناحهای نظام بود.

جنبش ۲۴ آبان ۱۳۹۸ که به بهانه اجرای مجدد سهمیه بندی بنزین، و افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت سوخت آغاز شد، ابعاد وسیع تری گرفت و نشان از اوج گسترش بیشتر نارضایتی مردم از نظام بود.

جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۸۸ پشتیبانی بین‌المللی از مبارزات مردم را در پی پخش تصاویری از سرکوب خشونت آمیز سال ۱۳۸۸ تجربه کرده بود، به یک باره کل اینترنت را از دسترس خارج کرد و به شدیدترین وضع ممکن، این اعتراضات را سرکوب نمود. اعتراضاتی که سه روز به طول انجامید. خبرگزاری‌ها تعداد کشته‌ها را بیش از ۱۵۰۰ نفر اعلام کردند.

مرگ ژینا در شهریور ۱۴۰۱ آغاز جنبشی شد که ستونهای نظام را لرزاند.

ژینا پرچمی شد برای انقلابی فراگیر برای تمامی مردمان ایران، «نه بزرگی» شد به نظام حاکم و تمامی سردمداران آن. از هر گوشه ایران صدای پیوند و همبستگی برخاست، مردم به میدان آمدند تا خشم خود را به نمایش بگذارند و نظام را به زیر بکشند.

فضایی در جامعه شکل گرفت که چهره ای سیاه از مناسبات حاکم همه گیر شد و شعار سرنگونی از هر شهری و کوی و برزنی برخاست. ریشه های نفرت همگانی از رژیم ایران صدای مردم را سراسری کرد و خشم و انزجار عمومی به خیابان‌ها آمد.

حجاب به زیر کشیده شد، دولتیان منفور مردم شدند، حامیان نظام مزدوران پول و قدرت شدند و یک شبه نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش پایه های اجتماعی خود را از دست داد، روند بی اعتمادی مردم به حکومت تشدید شد و نظام حکومتی دینی در ایران به شدت تضعیف شد و نهایتاً خواست تغییر حکومت اسلامی و استقرار یک حکومت دمکراتیک و سکولار را از خود بروز داد.

اعتراضات هر چند گسترده بود ولی به اعتصابات همگانی و سراسری کشیده نشد. متأسفانه این جنبش نتوانست با جنبشهای مطالباتی صنفی کارگران، معلمان، بازنشستگان پیوند برقرار کند. جنبش ژینا توانست نیروی وسیعی از زنان، جوانان، دانشجویان، هنرمندان و روشنفکران و اقشار مختلفی از جامعه را به یک حرکت اعتراضی وسیع چند ماهه با هدف قرار دادن کلیت نظام و خواست تغییر به خیابانها بکشاند، ولی ابزار لازم برای فراروئیدن از یک حرکت اعتراضی به یک جنبش انقلابی با ظرفیت‌های لازم برای تغییر حکومت در اختیار نداشت.

عدم یک انسجام سراسری، نبود رهبری متمرکز که بتواند در مقابل حکومت تاکتیک‌های لازم را اتخاذ کند و بتواند یک برنامه سیاسی معینی را پیشبرد، نبود یک آلترناتیو و یک صدای مورد پذیرش همگانی تا بتواند به تداوم جنبش و پایداری آن یاری رساند، عمده ضعفهای خیزش «ژینا» بود.

برخوردهای خشونت بار نهادهای سرکوب نظام، دستگیریهای وسیع، احکام زندان و اعدام، نشان داد که تنها پاسخ حکومت در مقابل مردم تکیه به سرنیزه است و بس.

جنبش ژینا، اما پایان نیافته و آتش آن خاموش نشده است، اگر شعله های آن در خیابانها سرنمیکشد، اما در بطن جامعه جاری است.

برای اولین بار در تاریخ مبارزات کشورو حتی جهان، زنان جنبش عمومی مردمان ایران را چنان تحت تأثیر خود قرار داده اند که پیشبرد امر انقلاب بدون حضور فعال زنان قابل تصور نیست.

زنان با جسارتی بیمانند در مقابل قانون «حجاب اجباری» و «حجاب بانها» ایستاده اند و مقاومت میکنند. اعتصابات کارگران، معلمان و بازنشستگان دمی فروکش نکرده است و ادامه دارد. جمعه ها ی زاهدان نشان از تداوم جنبش اعتراضی دارد.

بحران اقتصادی و گرانی سرسام آور، هر روز بیش از پیش از توان خرید مردم می‌کاهد و بار زندگی را بر دوش کارگران، زحمتکشان و عامه مردم سنگین و سنگین‌تر میکند. وعده های توخالی حکومت هم امروز هیچکس را فریب نمیدهد، چرا که با گوشت و پوست خود بحران معیشت و سختی طاقت فرسای زندگی در حکومت اسلامی را تجربه میکنند.

وضعیت بدین گونه ادامه پیدا نخواهد کرد و دیر یا زود انفجار اجتماعی از جایی آغاز خواهد شد و جنبش «ژینا» از زیر پوست شهر مجدداً به خیابانها خواهد آمد.

ما دو تشکیلات سراسری، همبستگی فراگیر و کنگره ملیتها بر این باوریم، انقلاب ژینا برای به سرانجام رسیدن باید به انسجام و اتحاد برسد. باید یک مرکز رهبری و هدایت با برنامه روشن داشته باشد و بویژه باید بتواند بر ضعف عمده دور قبلی، نبود پیوند با جنبشهای مطالباتی کارگران و زحمتکشان و بازنشستگان و دیگر اقشار جامعه، غلبه کند. حضور متشکل و سازمانیافته و متحد کارگران، معلمان، بازاریان، بازنشستگان، ملیتهای ایران، زنان، جوانان و همه مردم خواهان آزادی و دمکراسی در ایران، تنها ضامن تحقق خواسته های جنبش «زن، زندگی، آزادی» خواهد بود.

کنگره ملیتهای ایران فدرال

همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران

۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳ / ۲۳ شهریور ۱۴۰۲